

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ دولت کوچک، دولت ارزان

۲۵ بستری برای فقر زدایی

۲۷ اصلی برای نجات یک اقتصاد

۲۹ روند خصوصی سازی

۳۱ ابهامات سهام عدالت

۳۲ عزم جهانی در گسترده بخش خصوصی



برگی از قانون اساسی

راهی به سوی افق‌های روشن

افزایش مشارکت مردمی در پروژه‌های اقتصادی و به فعلیت رسیدن پتانسیل عظیم و بالقوه این بخش، اعم از سرمایه‌های مادی، دانش فنی، نوآوری و شیوه‌های مدیریت نوآور، می‌تواند آینده‌ای روشن را برای کشور نوید دهد.

نظام‌های اقتصادی امروز کشورهای بزرگ جهان، حکایت از این حقیقت روشن دارد که حرکت به سمت اقتصاد آزاد که در آن دخالت دولت در پایین‌ترین سطح خود باشد، تنها شیوه مطلوب حاکمیت اقتصادی است. اقتصادهای دولتی که مبتنی بر حکمفرمایی دولت در ابعاد گسترده هستند، موجبات بروز و ظهور انحصارهای خطرناک دولتی را فراهم می‌آورند که خروج از این دایره بسته، مستلزم ورود به حیطه خصوصی سازی اقتصاد می‌باشد. طراحی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در کشورمان که نقشه راه را برای ارتقای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در منطقه، تا افق ۱۴۰۴ طراحی می‌کند، بدون ابزار حرکت از اقتصاد بسته دولتی به سمت اقتصاد آزاد، امکان پذیر نیست. خوشبختانه این مهم در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اندیشیده شده و امروز شاهد اجرای مفاد قانون مذکور می‌باشیم. شکستن انحصارات دولتی و حرکت به سمت توسعه و پیشرفت، مبتنی بر مشارکت آحاد مردم در مباحث اقتصادی، برآیند این حرکت انقلابی است. طبق بند «الف» این اصل قانونی، دولت موظف است سالانه ۲۰ درصد از حجم فعالیت‌های خود را به بخش خصوصی واگذار نماید و این به معنای

مشارکت سهم عظیمی از سرمایه‌های مردمی در حرکت روبه‌رشد اقتصاد کشور می‌باشد. نتیجه منطقی دیگر این واگذاری‌ها، ایجاد فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب برای دولت، جهت پرداختن به امور مهمتر است؛ اموری که در حجم بزرگ فعالیت‌های دولتی به فراموشی سپرده می‌شود و یا کمرنگ‌تر جلوه می‌کند. در این راستا، در سال‌های اخیر، قدم‌های مؤثری جهت افزایش حضور بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برداشته شد که اگرچه این حرکت‌های نوپا در کشور با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو بوده است، اما خود جای بسی امیدواری دارد. به هر تقدیر توسعه دانش فنی و تکنولوژیکی، جذب سرمایه‌های داخلی و حرکت دادن پس‌اندازهای مردم در مسیر تولید، بدون مشارکت جدی مردم در فرایندهای اقتصادی عملی نخواهد بود. به این ترتیب و با توجه به اراده جمعی مسؤولان تراز اول مملکتی، می‌توان به انجام حرکتی اصولی در جهت تقویت مکانیزم بازار و اصلاح ساختار مالکیت شرکت‌های دولتی و خصوصی سازی این شرکت‌ها امیدوار بود.

خوب با پتانسیل‌های بالا برای بهتر شدن

نگاهی به عملکرد اجرای سیاست‌های اصل ۴۴

قانون اساسی که در سال ۸۴، توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید، مبین این حقیقت است که علیرغم همه انتقاداتی که در سال‌های اخیر، از روند اجرای سیاست‌های کلی این اصل در محافل اقتصادی، مدیران و صاحب‌نظران اقتصادی صورت گرفته است، فعالیت‌های انجام شده این سازمان از بعد حجم واگذاری‌ها و ارزش سهام واگذار شده به بخش خصوصی، از نمره غیرقابل قبولی برخوردار نیست.

کل ارزش واگذاری‌های صورت گرفته طی سال‌های ۷۰ تا ۸۴، از مجموع روش‌های ارایه سهام شرکت‌های دولتی از طریق بورس، مذاکره و مزایده مبلغ ۲۲ هزار و ۳۰۹ میلیارد ریال بوده، در حالی که این رقم تنها در سال ۸۶ به حدود ۳۰ هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال رسیده است. تفکیک اقلام و نوع واگذاری‌ها، مبین این واقعیت است که یکی از مهمترین دلایل جهش شدید واگذاری‌های صورت گرفته، در ارتباط با واگذاری شرکت‌هایی است که در قالب سهام عدالت، پس از روی کار آمدن دولت نهم و با رویکرد حمایت از دهک‌های پایین جامعه صورت گرفته است. واگذاری‌های صورت گرفته به روش بورس و مزایده نیز در سال‌های اخیر، خصوصاً سال ۸۶ و نیمه اول ۸۷ نسبت به سال‌های پیش، شکلی مطلوب‌تر به خود گرفته است که این موضوع، حرکت فزاینده و عزم جدی دولت را در طی مراحل واگذاری و حصول نتیجه‌های مطلوب نشان می‌دهد.

در عین حال، از ۲۹۸ هزار و ۱۷۷ میلیارد ریال سهمی که سازمان خصوصی سازی در سال ۸۶، از ۱۷۶ شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار نموده، سهام ۳۴ شرکت از طریق بورس و با ارزشی معادل ۳۰ هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال واگذار گردیده است که از این ارزش، ۲۳ هزار و ۸۹۹ میلیارد ریال، معادل ۷۸ درصد، به صورت یکجا و بلوکی عرضه شده است. همچنین سهام ۵۸ شرکت نیز از طریق مزایده و با ارزشی معادل

۷ هزار و ۴۵۱ میلیارد ریال واگذار گردیده که ۹۹/۴ درصد آن به صورت یکجا و بلوکی بوده است.

سازمان خصوصی سازی به طور خاص در سال گذشته، ۹۲ شرکت دولتی، شامل ۱۷ شرکت زیرمجموعه سازمان خصوصی سازی و ۷۵ شرکت زیرمجموعه سایر شرکت های مادر تخصصی، چون ساتکاب، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، خدمات کشاورزی، توانیر و شرکت ملی صنایع پتروشیمی را به روش های بورس و مزایده به بخش خصوصی واگذار نموده که در روش بورس، ۱۵ درصد واگذاری ها به شیوه تدریجی و ۷ درصد به روش ترجیحی به کارکنان و مدیران شرکت های تحت واگذاری صورت گرفته است. مابقی سهام که ۷۸ درصد می باشد به صورت بلوکی و به روش مزایده های عمومی در بورس واگذار شده است. به علاوه از مجموع ۹۲ شرکت واگذار شده در سال ۸۶، سهام ۵۸ شرکت به میزان ۳۵ درصد تعداد سهام و ۲۰ درصد ارزش واگذاری ها، به روش مزایده بوده که ۹۹/۴ درصد ارزش این روش واگذاری ها، به شیوه بلوکی و ۰/۶ درصد به صورت تدریجی (کارکنان و مدیران شرکت های مورد واگذاری) صورت پذیرفته است.

قضایات عملکرد

با دقت در میزان وصولی های خزانه و ارزش واگذاری های سازمان خصوصی سازی، می توان به تفکیک این دو مقوله پرداخته و در مورد میزان تحقق اهداف درآمدی بودجه و عملکرد واگذاری های سازمان خصوصی سازی قضایات کرد. مطابق ارقام و آمار منتشره سازمان خصوصی سازی، میزان تحقق درآمدهای ناشی از خصوصی سازی بر اساس وصولی های خزانه، ۲۶/۸ درصد و بر اساس ارزش واگذاری های سازمان ۹۰۲ درصد می باشد. مطابق پیش بینی های بودجه ای درآمدهای ناشی از واگذاری ها برای سال ۸۶ که رقم ۳۰ هزار میلیارد ریال ارزش سهام واگذار شده، پیش بینی گردیده بود، ۲۷۰ هزار و ۵۵۱ میلیارد ریال درآمد محقق شده است. وصولی خزانه نیز ۸ هزار و ۵۸ میلیارد ریال می باشد که اختلاف مذکور به دلیل پرداخت های اقساطی ارزش قسمت اعظمی از سهام واگذار شده است که در قالب سهام عدالت و یا بخشی از آن در قالب سهام بلوکی، به صورت اقساطی به بخش خصوصی واگذار گردیده است که درآمدهای مذکور در سال های آتی محقق خواهد شد، همچنین سازمان خصوصی سازی، در ۵ ماهه نخست سال ۸۷، ۵۱ شرکت دولتی را به بخش خصوصی واگذار نموده که ارزشی حدود ۱۰۶ هزار میلیارد ریال داشته است. موضوع قابل بررسی دیگر آن است که روند

خصوصی سازی شرکت های دولتی، با روی کار آمدن دولت نهم به نسبت دولت های قبل سرعت بیشتری به خود گرفته است. به گونه ای که در سال آغازین ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد، کل واگذاری ها به دو روش بورس و مزایده معادل ۷۶۴ میلیارد ریال بوده که این رقم در سال ۸۵ به ۲۷ هزار و ۸ میلیارد

اصل ۴۴ و حجم بزرگ دولت نفتی

دولت کوچک، دولت ارزان

از مشخصات دولت های رانتیر، سلطه گرایی بر تمام ابعاد اجتماع و نگاه ارباب مدارانه به اقتصاد است. اصل ۴۴ مقدمه ای بر اصلاح این نگاه می باشد.

حداقل سازی زیان - در امر تولید و اقتصاد رفتار می نمایند، زمینه رشد و شکوفایی اقتصاد کشور و پیشبرد و تعالی فاکتورهای اقتصادی فراهم آمد که این امر می تواند منجر به توسعه اقتصادی از یک سو و هدایت بودجه ها و هزینه های دولت در کانال های صحیح و اجرای امور مطمئن، در بسترهای آماده جهت رشد و اعتلای کشور گردد.

اهمیت بستر سازی

رتبه اول منطقه در افق ۱۴۰۴ شمسی، هدفی است متعالی که مقام معظم رهبری هوشمندانه با ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه حرکت در مسیر آن را فراهم نمودند. ابلاغیه فوق که به معنای احترام به بخش خصوصی و اصلاح نگاه حاکم بر بحث سرمایه گذاری و سرمایه گذار در کشور می باشد، نیازمند ایجاد شرایط مساعدی است که در زیر به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

- ۱) فراهم آوردن بسترهای قانونی مناسب و تدوین قوانین و آیین نامه های جدید، در کنار اصلاح قوانین موجود
- ۲) تقویت بازار سرمایه کشور و تجهیز و آماده سازی بازار بورس، از حیث ارتقای قابلیت جذب سرمایه و اطلاع رسانی صحیح، در رابطه با روند اجرای فرایند خصوصی سازی در کشور
- ۳) بررسی تحلیل سود و زیان شرکت های در دست واگذاری، فراهم آوردن بسته های تشویقی و ایجاد انگیزه های مناسب ترغیب بخش خصوصی، جهت حضور در عرصه های سرمایه گذاری
- ۴) آماده سازی و تجهیز شرکت های دولتی عقب مانده و زیان ده، جهت همپایی و اعلام موجودیت در عرصه رقابتی
- ۵) افزایش نسبی ظرفیت های بخش خصوصی و تعاونی و ظرفیت سازی در بخش های مذکور، به واسطه تقویت نقاط مثبت و رفع نقاط ضعف آنها
- ۶) بازتعریف زمان بندی اجرای طرح های خصوصی سازی و رعایت تناسب اجرای این طرح ها با اهداف بلندمدت و میان مدت توسعه کشور

پس از پیروزی انقلاب و با مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکت هایی که در دوران گذشته، به طور خصوصی اداره می شدند و با افزایش اتکای بخش دولتی به درآمدهای حاصل از فروش نفت، جهت تضمین توزیع عادلانه رفاه و مطلوبیت در جامعه، روزه روز بر حجم دولت افزوده شد. تأمین مالی دولت، ایجاد اشتغال و زمینه سازی در جهت حمایت از صنایع کشور که خصوصاً در سال های جنگ به شدت آسیب پذیر شده بودند، باعث شد بسیاری از شرکت ها دولتی گردند. این امر منجر به بزرگ شدن دولت و افزایش هزینه های این بخش گردید. این خود باعث بی انضباطی های مالی دولت شد؛ به گونه ای که در بسیاری از مسایل جاری دولت، بی بند و باری های اقتصادی که از پشتوانه منطقی مناسبی برخوردار نبود حاکم شد. افزایش بی رویه بدون توجیه جذب نیروی انسانی، برهم خوردن توازن میان نیروی کار در بخش خصوصی و دولتی، اتکای شرکت های دولتی به منابع بی ضبط و ربط بانکی و حمایت های غیراصولی دولت از روند تولید که منجر به انحصار تولید در دست بخش دولتی و کاهش رقابت و کارایی بخش خصوصی شده بود، همگی از آثار مخرب اقتصاد دولتی پس از انقلاب است. متأسفانه این شرکت ها به اعتبار حمایت های دولتی، از هرگونه ابداع در روش های تولید و حرکت به سمت تولید فن آوری و هدایت تولید در بسترهای علمی و رقابتی به دور ماندند.

این امر نه تنها منجر به ایجاد قدرت مانور ملی، منطقه ای و جهانی نگردید، بلکه بر عکس در امر تولید و صنعت، کشور را به عقب ماندگی و واپس گرایی دچار کرد. شاهد این مدعا، عدم توفیق کشور در بحث صادرات غیرنفتی، در سال های پس از انقلاب است که خوشبختانه راهکار مشکل فوق، با آغاز فرایند خصوصی سازی شرکت های دولتی در سال های اخیر و با رفع موانع قانونی و اهتمام جدی مسئولین و قوای ذیربط، از جمله مجلس و دولت ارایه گردید و زمینه حضور جدی سرمایه گذاران مستقل از دولت که بر اساس مکانیزم های اقتصاد خرد - از طریق حداکثر سازی سود و